

درباره کنگره سوم حزب

گفتگو با
منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

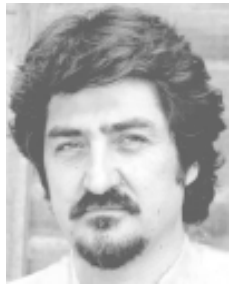
www.haftegi.com

۲۰

۲۵ شهریور ۱۳۷۹

۱۵ سپتامبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود



گام منطقی در جهتی است که ما در این سالها در جهت ایجاد یک جنبش کمونیستی قوی و اجتماعی پیموه ایم. حزب کمونیست کارگری در این چند سال اخیر رشد خیره کننده ای در ایران کرده است. اکنون حزب در ایران وسیعا شناخته

صفحه ۲

قدرت سیاسی و ایجاد تغییرات مادی در زندگی نسلی از انسانها فکر میکند، حزبی که میداند باید بزرگ و قدرتمند باشد، نمیتواند به این سناریوی بورژوازی گردن بگذارد. کنگره یک حزب سیاسی یک پرچم بزرگ است که باید در پیشاپیش جامعه گرفته بشود. جالب است که بخشهای زیادی از چپ رادیکال سالیان متمادی این انزوا و اختفای تحمیلی را داده ها و مشخصات و سنتهای اثباتی جنبش خویش و منبعث از ذات کمونیسم پنداشته اند و حتی تقدیس کرده و نشان انقلابیگری خویش شمرده اند. حزب کمونیست کارگری مدتهاست این سنتهای بدلی را پشت سر گذاشته است. علنیت کنگره یک

بزرگ و در دسترس مردم. دور کردن کمونیستها و ایده کمونیسم از بستر اصلی جامعه و زندگی هرروزه مردم، بریدن رابطه حزب با جامعه و طبقه کارگر، یک سیاست آگاهانه دیکتاتوری ها و رسانه های عظیم بورژوازی است و میلیاردها دلار و هزاران شکنجه گاه و میدان اعدام صرف آن شده و میشود. این انزوا و اختفا حق انتخاب کمونیسم را بعنوان یک آلترناتیو و یک آینده از مردم و طبقه کارگر سلب میکند. نباید به این تسلیم شد. شاید اختفا یا علنیت تاثیر زیادی در کار یک گروه کوچک تبلیغگر یا یک محفل فکری نداشته باشد. اما یک حزب سیاسی، جنبشی که به

سوال: از نکته ای شروع کنیم که تازگی دارد و توجه زیادی را به خود جلب کرده است، یعنی علنی بودن کنگره و باز بودن آن برای عموم. این تصمیم چطور گرفته شد و مبنایش چیست؟
منصور حکمت: این تصمیم آخرین پلنوم کمیته مرکزی بود و بنظر من تصمیم بسیار بجا و درستی است. خیلی ها، مستقل از درجه دوری و نزدیکی شان به حزب ما این اقدام را تائید کرده اند و حتی به حزب تبریک گفته اند. این یک قدم دیگر به جلو در مسیر تبدیل کمونیسم از یک حرکت مکتبی و فرقه ای و شبه مذهبی، به یک حزب سیاسی است. یک حزب سیاسی



پاکسازی قومی مهاجران افغانی جنایت مشترک جمهوری اسلامی و سازمان ملل

بمب و گلوله و در دست اوباش طالبان سرنوشت شان چه خواهد شد، نه مساله جمهوری اسلامی و نه سازمان ملل است. ولی باید مساله تمامی افراد آزادیخواه و انسان دوست و سازمانهای طرفدار حقوق بشر باشد.

باید قاطعانه این سیاست شوم و ضدانسانی جمهوری اسلامی و سازمان ملل را محکوم کرد و برای پایان دادن به این جنایت آشکار علیه هزاران انسان از هیچ کوششی فروگذار نکرد. این وظیفه تخطی ناپذیر کلیه سازمانها و انسانهای آزادیخواه و بشردوست است که سریعاً و با تمام قوا برای خاتمه دادن به پاکسازی قومی که در ایران در جریان است، دست به مبارزه زنند.

ور شده و گوشه ای از "عظوفت اسلامی" اش را آشکار میکند. مجلس اسلامی دو خردادی در همان اولین روزهای تشکیلش نامه ای به رئیس جمهور مینویسد که "این افراد مشکلاحتی را در ابعاد مختلف جهت شهروندان ایجاد کرده اند که متأسفانه هر روز افزایش مییابد" و از خاتمی میخواهد که "دستور لازم و موکد" برای اخراج آنها صادر نماید.

به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی در هر هفته بیش از هزاران انسان از مناطق مختلف ایران جمع آوری شده و به جهنم افغانستان ارسال میشوند. اینکه در آنسوی مرز بر سر این انسانهای زحمتکش که با ۲۰ دلار پول و یک کیسه برنج، به حال خود رها میشوند، چه خواهد آمد؛ اینکه کودکان اینها در وسط بیابان، بدون سرپناه، بدون هیچ نشانی از مدنیت و مدرسه و زیر آتش

azarmajedi@yahoo.com

آذر ماجدی

مردم این منطقه غذا برساند، و لذا بیش از صد هزار تن از مردم بزودی مجبور به ترک این کشور شده و آواره خواهند شد.

سازمان ملل، علییرغم گزارشهای رسمی خود از درگیری و جنگ و قحطی و گرسنگی در افغانستان، بر طرح شوم پاکسازی قومی جمهوری اسلامی مهر تائید کوییده و در ارسال مردم به قتلگاه افغانستان با این حکومت ارتجاعی ضد بشری کاملاً همکاری میکند.

جمهوری اسلامی در بحران سیاسی و اقتصادی عمیق و مهلکی گرفتار شده است و برای تحفیف این بحران به ضعیفترین ساکنین ایران، که تنها جرمشان اینست که خود یا آباء و اجدادشان در افغانستان متولد شده اند، حمله

اکنون پنج ماه است که جمهوری اسلامی با کمک و حمایت کامل سازمان ملل هزاران مهاجر افغانستانی و کودکانشان را دسته دسته به جهنم جنگ و بمباران و قحطی تبعید میکند.

جنگ میان طالبان و دیگر نیروها در افغانستان بشدت بالا گرفته است. اخیراً شهر تالقان پس از یکماه جنگ سنگین و بمباران های هوایی بدست نیروهای طالبان افتاد و هرکس از ساکنین شهر که از آن نگریخته بود توسط طالبان از شهر بیرون رانده شد.

بعلاوه، خشکسالی بی سابقه در افغانستان مردم را با خطر قحطی و گرسنگی مواجه کرده است. سازمان ملل اعلام کرده که بدلیل درگیری های نظامی قادر نیست به

با تعارف، بی تعارف!

صفحه ۴

اروپای بیرحم،
راسیسم دولتی

صفحه ۳

به تظاهرات
برلین بپیوندید!

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰
بوقت تهران

۱۹ متر برابر با
۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگو با منصور حکمت درباره کنگره سوم حزب

شده است و دستداران بسیار زیادی دارد. حزب کمونیست کارگری از نظر مردم یکی از سه چهار جریان اصلی در صحنه سیاست ایران شمرده میشود. کنگره چنین حزبی دیگر نمیتواند پشت درهای بسته و دور از نگاه مردم و جامعه برگزار شود. این کنگره یک اتفاق عمومی است. به عموم مربوط است و باید در دسترس عموم باشد. گمان میکنم همه نیروهای اپوزیسیون صحت این اقدام ما و وسعتی که اینکار به فضای فعالیت و تنفس اپوزیسیون از هر گزاشی میدهد را درک کرده اند. این کنگره همه را یک گام به جلو میبرد. موازین جدید و پیشرو تری را تعریف میکند

سوال: در همین رابطه مساله لیست مدعوین به کنگره مطرح میشود. این لیست بسیار وسیع است و کمابیش همه احزاب و گروههای عمده اپوزیسیون و اکثر شخصیتهای سیاسی را از راست و چپ در بر میگیرد. این سیاست به چه نیازی پاسخ میدهد؟

م: هدف ما همین شفافیت و علنیت است. این دعوت قرار نیست و نمیتواند هیچ فاصله سیاسی ای میان ما و مدعوین را پر کند. نفس تنوع مدعوین این را از هر توضیحی بی نیاز میکند. ما هیچ فیلتری نگذاشته ایم، هیچ ضابطه ای مبنی بر دوری و نزدیکی مدعوین با حزب را ملاک قرار نداده ایم. تنها شرط این بوده است که اپوزیسیون باشند. ما از سازمانهای چپ، مجاهدین، طیف اکثریت، ملیون و سلطنت طلبان و نهادها و شخصیتهای مختلف وسیعاً دعوت کرده ایم در این کنگره میهمان ما باشند. و برآستی از شرکت هرکدام و همگی استقبال میکنیم. کاش همه بخواهند و بتوانند بیایند. اما ابداً فرض نکرده ایم که کنگره ما عملاً به چنین محل تجمعی بدل خواهد شد. این دعوت تاکید بر این واقعیت است که این کنگره در دسترس همه این جریانات و جنبشهاست. اگر بخواهند میتوانند نگاهش کنند، قضاوتش کنند. ما را بهتر بشناسند. سیاست خود را در قبال ما با آگاهی بیشتری تعیین کنند. این کنگره و تجمعات احزاب سیاسی دیگر باید بتواند در ایران بطور امن و باز و

علنی و با پوشش رادیو تلویزیونی و رسانه ای برگزار شود. استبداد و خفقان این حق را از ما و مردم سلب کرده است. در یک شرایط آزاد شاید دعوت چنین لیست وسیعی بدون ملاک سیاسی مورد نداشته باشد. اما در غیاب علنیت و شفافیت سیاسی واقعی در دل جامعه ایران، ما به این احزاب و شخصیت های مدعو بعنوان سمبل ها و جانشینانی نیابت توده وسیع مردم، از همه رنگ و فکر و سیاست، نگاه میکنیم که حق دارند این کنگره را زیر ذره بین بگذارند و از این طریق درک مطلعانه تری از حزب ما و جنبش کمونیسم کارگری بدست بیاورند. این گذاشتن خشت های یک فرهنگ سیاسی متفاوت است. ما داریم حق دیگران را در بازرسی و نظارت بر خود برسیمت میشناسیم و متقابلاً حق خود میدانیم که با یک فرهنگ سیاسی باز و شفافیت در جنبشها و احزاب دیگر روبرو باشیم. این، هم درست است و هم به همین دلیل به نفع امر اجتماعی ماست. یک جنبش برابری طلبانه، آزادیخواهانه، انساندوست و رادیکال هرچه بیشتر و از نزدیک تر دیده شود و بتواند دیده بشود بهتر است. هرچه قلمرو سیاست در جامعه بازتر و شفاف تر باشد، هرچه فرهنگ سیاسی غنی تر باشد، به نفع آزادیخواهی و انساندوستی است. به نفع کمونیسم است.

سوال: ناظرین زیادی ثبت نام کرده اند. آیا شرط و شروطی، برای قبول ناظرین وجود داشته است، مثلاً عضویت در حزب یا نزدیکی به حزب؟

م: خیر، هیچ شرطی وجود نداشته است. خیلی از ناظرینی که ثبت نام کرده اند نزدیکی ای با حزب ندارند. ما هیچ سوالی در مورد زندگی و عقاید و پیشینه و تعلق سازمانی علاقمندان نمیکنیم. اسم و کشور خود را به ما میدهند. هزینه ورودیه جلسه و خوابگاه را میپردازند و ثبت نام میکنند. از استقبال وسیعی که از کنگره شده است خیلی خوشحالیم. تعداد زیادی از آمریکا و کانادا و استرالیا و از کشورهای مختلف اروپا با هزینه گزاف دارند به کنگره میایند. عده ای از ایران ابراز تمایل کرده اند که متأسفانه حتی اگر خروج از ایران برایشان مقدور باشد، ورودشان به "قلعه اروپا" به این سادگی نیست و ما به احتمال قوی از دیدارشان محروم میمانیم.

جدال بر سر قدرت سیاسی و سرنوشت کشوری در این ابعاد، بی شباهت به عروج بلشویسم اوائل قرن قبل نیست. و میتواند همانقدر همه چیز را تحت تاثیر قرار بدهد. اگر کنگره ما بتواند این پیام را عمیقاً حالی همه ما، حزب و جنبش ما، بکند که "بازی شروع شده است" و این نبردی بر سر سرنوشت و کیفیت زندگی میلیونها انسان همدوره ما و پس از ما است، اگر این کنگره، مقطع اعلام موجودیت یک حزب سیاسی باشد که پیروزی خود را ممکن میداند و این شهامت را دارد که این پیروزی را بخواهد، آنوقت بنظر من فعالیت حزب کمونیست کارگری پس از کنگره بسرعت دگرگون خواهد شد. در بحثهای "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" در این یکی دو سال تصویری از آنچه بنظر من باید باشیم و بشویم داده ام. از نظر من کنگره سوم میتواند گام بلندی برای تحقق این تصویر بردارد.



م: بنظر من این کنگره باید حزب را متوجه موقعیت ویژه و استثنائی خود کند. کنگره باید محل تولد یک حزب سیاسی به معنی واقعی کلمه باشد. کنگره باید این حزب را متوجه وظایفی بکند که اوضاع سیاسی حاد ایران در مقابلش قرار میدهد. یک فرصت تاریخی برای کمونیسم ایران فراهم شده است. یک میدان و فرجه بسیار بسیار کوچک برای عمل. اما عملی تاریخساز و زیر و رو کننده نه فقط در رابطه با ایران بلکه در رابطه با دنیای معاصر. این فرصت را بسادگی میشود از دست داد. اما اگر درست عمل کنیم، اگر جوهر واقعی این اوضاع را درک کنیم، میتوانیم حتی روی سرنوشت قرن بیست و یکم تاثیر بگذاریم. به قدرت رسیدن کمونیسم کارگری در تحولات آتی ایران از پیش منتفی نیست. کاری بسیار عظیم میخواید و توانایی هایی که چه بسا ما فاقد آنیم. اما تاریخاً و از نظر عینی غیر ممکن نیست. عروج کمونیسم کارگری در ایران ابتدای قرن بعنوان یک پای واقعی

سوال: آیا هنوز میتوان بعنوان ناظر ثبت نام کرد؟

م: هنوز میشود. اما وقت زیادی باقی نیست. از نظر رسمی شنبه آینده روز آخر است. مشکل ما امکانات خوابگاهی است. تا بحال حدود ۱۳۰ نفر ثبت نام کرده اند. هفته آینده موقعیت را جمع بندی میکنیم و اگر هنوز جایی باقی مانده باشد اطلاع خواهیم داد. فعلاً هنوز علاقمندان را تشویق میکنیم ثبت نام کنند. منتهی دیگر باید عجله کنند.

سوال: دستور جلسات کنگره چیست؟

م: دستور جلسات را نهایتاً خود اجلاس اول کنگره تعیین خواهد کرد. ما بعنوان کمیته مرکزی حزب دستور پیشنهادی و قطعنامه های خود را در اختیار کنگره میگذاریم. تعدادی قرار و قطعنامه هم تا همینجا از نمایندگان آمده است. کنگره هرکدام را خواهد در دستور میگذارد. از قبل از کنگره همه اسناد در اختیار همه نمایندگان قرار میگیرد و تعداد زیادی از سخنرانان (کسانی که باید قرارها و قطعنامه ها را معرفی کنند و همچنین سخنرانان مخالف هر کدام از اسناد) از پیش معلوم خواهد بود. کنگره دو روز بیشتر وقت ندارد. علاوه بر مباحثات حول قطعنامه ها و قرارها، باید کمیته مرکزی جدید حزب را هم انتخاب کند. حداقل دستور پیشنهادی فعلی ما برای کنگره عبارت است از گزارشات، بررسی اوضاع سیاسی ایران و روندهای آتی، موقعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری در متن تحولات سیاسی جاری، موقعیت و وظایف ویژه حزب کمونیست کارگری در اوضاع کنونی، مساله مالی حزب، انتخابات کمیته مرکزی. موضوعات متعدد و مهم دیگری هم هست که امیدواریم کنگره وقت کند مباحثات و مصوباتی در مورد آنها داشته باشد.

سوال: فکر میکنید کنگره چه نقطه عطفی در فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران خواهد بود یا باید باشد؟ آیا شاهد تغییرات محسوسی پس از کنگره خواهیم بود؟

در کنگره سوم حزب شرکت کنید

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند.

کنگره در نیمه اکتبر امسال برگزار میشود. ابتکار حزب در گشایش کنگره بروی عموم با استقبال وسیعی روبرو شده است. تاکنون نزدیک به ۱۳۰ نفر برای شرکت در کنگره بعنوان ناظر ثبت نام کرده اند. امکانات خوابگاهی موجود برای ناظرین تمام شده است. هیات تدارک کنگره در جریان تامین جای بیشتر برای ناظرین است و ثبت نام علاقمندان همچنان تا ۲۳ سپتامبر ادامه خواهد داشت.

این فرصت بسیار مناسبی برای آشنایی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای آن در جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است. برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و ای میل زیر تماس بگیرید.

Tel: 0044 (0) 777 9898 968

Fax: 0044 (0) 870 120 7768

e-mail: congress@ukonline.co.uk

* ورودیه هر نفر برای دو روز جلسه شامل هزینه ناهار معادل ۶۰ دلار، ۳۵ پوند و یا ۱۱۰ مارک آلمان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اروپای بیرحم، راسیسم دولتی، هشدار!

سالانه در کنار مرزهای اروپا چند صد نفر پناهجو بدلیل متفاوت به قتل میرسند. در طول یکسال گذشته یعنی از ۱۹۹۹ تا کنون طبق آمار این تعداد از مرز ۴۶۷ نفر گذشته است. هر از چند گاهی خبری و یا گزارشی از مرگ این انسانها شوکی به افکار عمومی وارد میکند و .. تا یک خبر دیگر و یک داغ دیگر.

اینها یک مورد و دو مورد نیست. در همین رودخانه دو ماه پیش نیز ۸ ایرانی غرق شدند. دستگیری، باز پس فرستادن، شکنجه، خودکشی و قتل پناهجویان دیگر میروند یکی از وقایع روزمره و پیش پا افتاده در اروپای مهد تمدن گردد!

جرم این انسانها چیست که مجبورند، مخفیانه و با بازی کردن با جانشان از یک مرز به مرز دیگر و از یک کشور به کشور دیگر بروند. اینها از چه چیز فرار میکنند، و چرا علت فرارشان از سوی دول فحیمه اروپایی به رسمیت شناخته نمیشود؟ آیا احتیاجی به توضیح دارد

هنوز شوک ناشی از مرگ ۵۸ پناهجوی چینی در مرز انگلیس، تمام نشده که خبر از غرق شدن ۱۲ پناهجوی ایرانی، که سه کودک نیز همراهشان بوده، در رودخانه ساوا در مرز بوسنی و کرواسی، وجدان همه انسانها را به درد می آورد.

خشم و نفرت همه دنیا را در بر میگیرد، با آرامش کامل جلسه میگیرند و با وقاحت از کنترل بیشتر مرزها، همکاری با دولتهای پناهنده ساز و کنترل مهاجرت حرف میزنند. این یعنی ادامه جنایات بر علیه پناهجویان، یعنی غرق شدن بیشتر و بیشتر کودکانی که به همراه والدین خود از دست دیکتاتورها و جانیان میگریزند. آیا این تف کردن به همه دستاوردها انسانی قرنهای پیش است؟ آیا دول اروپایی و اتحادیه اروپا میتوانند در مقابل چشمان همه ما به این جنایتها صحنه گذارده و زمینه چینی جنایات بیشتری را بکنند؟ آیا سال ۲۰۰۱ نیز در مقابل چشمان همه ما پناهجویان را پس خواهند فرستاد و قدمی دیگر در کشیدن خط بطلان به حقوق پناهندگی پیش خواهند رفت.

همه اینها ممکن است در صورتی که در مقابل این اقدامات بیشرمانه سکوت کنیم و مقاومت نکنیم. ما خطابمان به انسانهاست. به همه شما که از شنیدن این اخبار

تشنکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در بریتانیا همراه با همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و دهها کمپین و تشکل دیگر مدافع حقوق پناهندگی در انگلستان، حرکت گسترده و نیرومندی علیه دیپورت پناهجویان، راسیسم دولتی و قوانین ضد پناهندگی دولت انگلیس به مدت یکماه از نیمه سپتامبر تا اواخر اکتبر سال جاری سازمان داده است. دولت بریتانیا بیشرمانه با زندگی هزاران انسان پناهجو بازی می کند. تاکنون صدها نفر را دیپورت کرده، به خودکشی و افسردگی کشانده و بازداشت و تحقیر کرده است. اگر در مقابل این افسار گسیختگی و راسیسم دولتی ایستادگی نکنیم حقوق انسانی پناهجویان را یکسره

به تظاهرات اعتراضی ما در برلین پیوندید!

روز ۲۹ سپتامبر روز پناهنده، روز اعتراض به سیاستهای ضد پناهندگی! اگر پناهجویی هستید که سالهاست در این مملکت با سرگردانی و ناروشن بودن موقعیت و آینده خود دست به گریبان

اید، اگر زنی هستید که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته و بدنبال امنیت و یک زندگی نرمال، سالهاست در آلمان برای حق پناهندگی میجنگید، اگر زندگی در هایمهایی با استاندارد کاملا پائین، اعصابی برایتان نگذاشته، اگر ناروشن بودن آینده و امنیت روحی و روانی فرزندانتان، یک معضل جدی زندگی شماست، و بالاخره اگر خطر دیپورت به ایران، کابوس مداومی است که شما را راحت نمیگذارد، تنها راه مقابله با این وضعیت، شرکت در یک مقاومت و مبارزه دسته جمعی است.

با اعتراض جمعی است که میتوانیم مانع دیپورت پناهجویان شویم، میتوانیم دولت آلمان را وادار کنیم حق پناهندگی هزاران پناهجو را به رسمیت بشناسد، میتوانیم آینده ای انسانی و امن را برای کودکانمان فراهم کنیم. زندگی آزاد، حق طبیعی هر انسانی است، هر انسانی آزاد است در هر نقطه ای از دنیا که میخواهد زندگی کند. برای رسیدن به این حق طبیعی و انسانی به آکسیون اعتراضی ما بر علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت آلمان پیوندید!

دیدار ما روز جمعه ۲۹ سپتامبر ساعت ۱۰ صبح
Pariser Platz میدان براندن بورگ - برلین

سخنرانان:

مریم نمازی دبیر همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
مینا احدی دبیر کمیته آلمان حزب و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
نسرین رمضانعلی دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی در آلمان

به راسیسم و پناهجو ستیزی دولت انگلیس نه بگوئید! به کاروان اعتراضی ما در دفاع از پناهجویان پیوندید!

فدراسیون، از سازمان دهندگان این حرکت اعتراضی هستند و با تعداد کثیری از پناهجویان ایرانی و آزادیخواهان در تظاهراتها، سخنرانیها و اجتماعات مختلفی که در یک ماه آینده در پیش است دیدار و گفتگو خواهند کرد.

مسیر و تاریخ حرکت کاروان به قرار زیر است:
۱۵ - ۱۷ سپتامبر: برمینگام، لستر، آکسفورد
۲۲ - ۲۴ سپتامبر: دورور، مارگیت، برایتون
۲۹ - ۱ اکتبر: شفیلد، منچستر، لیدز، نیوکاسل، لیورپول
۶ - ۸ اکتبر: اکزتر، پلیموت، بریستول
۱۴ اکتبر: لندن
۲۷ اکتبر: کاونتری

پایمال خواهد کرد. این سیاستهای ضد انسانی و راسیستی باید جواب محکمی بگیرند. حرکت اعتراضی کاروان بدنبال مبارزه روزمره سازمانها و کمپینهای دفاع از پناهجویان در مقابل حمله بیشرمانه دولت بریتانیا به زندگی هزاران پناهجو به راه افتاده است. خواستههای این حرکت پایان دادن به بازداشت پناهجویان، دیپورت، کوبن بجای (Vouchers) تعیین اجباری محل زندگی برای پناهجویان، کشتار راسیستی و پایان دادن به قوانین راسیستی است. کاروان همچنین خواهان حقوق برابر اجتماعی برای پناهجویان می باشد. کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و مریم نمازی و کیوان جاوید، مسئولین

هفته دفاع از حقوق پناهندگی و حق شهروندی برای همه و اعتراض به سیاستهای ضد انسانی دولت سوئد

برای دفاع از حق زندگی و ماندن همه انسانها
برای دفاع از زندگی هزاران کودک پناهجو
علیه سیاست راست دولت سوئد علیه پناهجویان
علیه دیپورت پناهجویان ایرانی به جهنم جمهوری اسلامی
در میتینگهای اعتراضی ما شرکت کنید
دوشنبه ۲۹ سپتامبر میتینگ اعتراضی در استکهلم ساعت ۴ بعدازظهر

با تعارف ، بی تعارف!

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

"ای حوزه های علمیه و علما! زحمات علمای سلف دارد از بین می‌رود. اسلام دارد منزوی می‌شود. اگر ما ساکت بنشینیم چیزی باقی نخواهد ماند. اگر وحدت بین حوزه ها و مراجع با مقام معظم رهبری نباشد، وضع اینطور است!"

این ناله های "آیت الله نوری همدانی" است. (کیهان دوشنبه ۲۱ شهریور) عاقلترهایشان نیز از زبان رفسنجانی، که از نگرانیهای شدید مجلس خبرگان خبر داد و گفت: "وضع به جایی رسیده که مملکت را با تعارف نمی شود اداره کرد"، همین را میگویند. مشکل اینها فقط این نیست که در بین "حوزه های علمیه و علما" شکاف و چند دستگی شدید هست. مشکل اینست که جمهوری اسلامی از بالا تا پایین شکاف برداشته است. هیچ اتوریته و نیرویی نیست که این ترک های عمیق را بهم بیاورد. نه خامنه ای، نه رفسنجانی و نه خاتمی، و نه هیچ کس دیگری قادر به متحد کردن "خودی" ها نیست. جلسات سری سران نظام، که ظاهرا بطور کمابیش روتینی برگزار میشود، طرح هایی نظیر "کمیته

اصلاحات"، که دست آخر همان جلسات سران نظام خواهد بود، به راست چرخیدن خاتمی و "اصلاح طلب" شدن خامنه ای و غیره، اینها هیچکدام چاره کار نیست. شاید هنوز بتوانند "قواعد بازی" جدیدی برای جنگ و جدال جناح ها تعریف کنند، شاید بتوانند حالا مدتی دیگر طولش بدهند. اما با به بن بست رسیدن دوم خرداد و نمایش ناتوانی روزافزونی در "مشروعیت بخشیدن به نظام" دیگر کل جمهوری اسلامی به یک بن بست در شیوه های اعمال حاکمیت خود رسیده و همه اینگونه تلاشها جزو "تعارف" هایی خواهند بود که رفسنجانی میگوید نمی شود با آن مملکت را اداره کرد.

"ریسمان الهی" که اکنون جمهوری اسلامی به آن آویزان است، عملا ولی فقیه است. نوری همدانی هم ضجه میکند که "حوزه ها و علما" همه به این ریسمان چنگ بیندازند وگرنه "هیچ چیز باقی نمی ماند". اما این ولی فقیه، بر خلاف سلفش، به هیچ وجه اتوریته ای ایدئولوژیک و معنوی ندارد. از لحاظ سیاسی هم او و تمامی انصارش فاقد یک استراتژی روشن سیاسی و قابل پاسخگویی به بحران عمیق جمهوری اسلامی اند. بطور واقعی و در تحلیل نهایی منشاء آب باریکه اقتدار و "عظمت" رهبر



"معظم"، نیروهای سرکوب و قوای مسلح است. چه در مقابل مردم و چه از لحاظ حفظ "وحدت" در صفوف "خودی" ها. ولی فقیه بدون قوای مسلح و "فرماندهی کل قوا" یک شب هم دوام نخواهد آورد. اما اینجا هم شکاف های درون جمهوری اسلامی عمیق و عمیقتر میشود. اینکه دوتن از کلیدی ترین عناصر امنیتی جمهوری اسلامی، یکی "دوا خور" میشود و آن یکی توسط "خودی" ها ترور میشود، اینکه "سربازان گمنام امام زمان" روحیه شان "ضعیف" شده، اینکه "لباس شخصی" ها و "واحد های ویژه" نقش اصلی مقابله با مردم را بر عهده دارند و کوشش میشود سپاه و بسیج و ارتش حتی الامکان از رودرویی با مردم بر کنار بمانند، اینکه گشت های سپاه و نهی از منکر را از خیابانها جمع کردند و هرجا که اینها به دخالت در زندگی مردم دست زدند با پاسخ و گوشمالی شدید روبرو شده اند، همه شواهدی هستند بر اینکه دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی نیز از درون در

تعارف" حکومت کند از محدودیت های جدی برخوردار است.

با تعارف یا بی تعارف اسلام و حکومتش راه نجاتی ندارد. اینها نمی دانند چگونه روح سرگردانی را که از تهران به خلخال، از رشت به آبادان جولان میدهد و به ناگاه از خرم آباد سر بر می آورد و کل رژیم را زهره ترک میکند، تسخیر کنند و به بند کشند. چگونه اسلام و جمهوری اسلامی شان را در مقابل آماج نفرت و حمله میلیونها انسانی که آزادی و رفاه و شادی و انسانیت می طلبند، و حالا به خیابان آمده اند و از زدوخورد مسلحانه با عوامل رژیم هم ابایی ندارند، حفظ کنند. بقول اکونومیست که با نگرانی به وقایع خرم آباد اشاره میکند: "کسی نمی داند فوران بعدی کجا بیرون خواهد زد".

حال تجزیه است. سران رژیم خوب میدانند که نیروهای مسلحی که بسیاری از آنها نیروی وظیفه اند و انسانهای شریف و بیزار از جمهوری اسلامی در بین پرسنل کادر آن کم نیست، در صورت قرار گرفتن در برابر صف مردم، سلاح را به سمت دیگر برمی گردانند. در پس "زبان می بریم و سر میزنیم" های گاه گاه سردارها و پاسدار تیمسارهای جمهوری اسلامی، یک بحران بالقوه مهلک عدم فرمانبرداری و تمرد از سوی بدنه و صفوف پایین عمدتا وظیفه و ناراضی نیروهای مسلح خوابیده است. "نیروی انتظامی" (نیروی پلیس جمهوری اسلامی) نیز برای این رژیم چندان قابل اتکا نیست. مقامات و افسران این نیرو بارها به "مشکلات بیشمار" و مساله "روحیه" آن اشاره کرده اند... خلاصه آنکه اگر جمهوری اسلامی بخواهد بقول رفسنجانی "بی

انترناسیونال هفتگی را در ایران و خارج تکثیر و پخش کنید

روزنه دات گام

نشریه ای اینترنتی از

حزب کمونیست کارگری ایران
<http://www.rowzane.com>

سردبیر : کورش مدرسی

Website: انترناسیونال هفتگی
www.haftegi.com

Email: haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address: BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

سازمان جوانان کمونیست:

بهرروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

رادیو انترناسیونال را

روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

به
انترناسیونال
هفتگی

کمک مالی
کنید!